

## بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی سینا در فعالیت‌های ورزشی

علی محمد قدسی\*

استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا

جواد افشارکهن

دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا

احمد عطارد

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

### چکیده

در این مقاله میزان مشارکت دانشجویان دختر در فعالیت‌های ورزشی و عوامل مؤثر بر آن بررسی شد. روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایشی بود. جامعه آماری شامل دختران دانشجو دانشگاه بوعلی سینا همدان (۵۰۹۶ نفر) بوده‌اند که از این تعداد ۳۸۵ نفر از طریق فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شده و از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، بین آن‌ها پرسشنامه توزیع شد. در چارچوب نظری از نظریات همچون نظریه فیش باین-آیزن، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه سرمایه فرهنگی، نظریات فمینیستی، نظریه جافتز، کلیشه‌های جنسیتی سندرا بام و دیدگاه نظری چو بهره گرفته شد. نتایج نشان داد بین متغیرهای حمایت اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سودمندی ادراک شده، تمایل فردی و موانع اجتماعی مشارکت با میزان مشارکت ورزشی رابطه معناداری دیده می‌شود، اما بین متغیرهای رشته تحصیلی، قومیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با میزان مشارکت ورزشی رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. همچنین بین باورهای قالبی و مشارکت ورزشی رابطه معنادار و معکوس وجود دارد.

### واژگان کلیدی

مشارکت ورزشی؛ سودمندی ادراک شده؛ حمایت اجتماعی؛ باورهای قالبی؛ سرمایه فرهنگی

\* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱/۲۰

## مقدمه

جامعه‌شناسی ورزش به عنوان دانشی نوپا در طی چند دهه اخیر شکل گرفته است و سعی دارد جنبه‌های گوناگون ورزش را در پرتو نظریه‌ها و مباحث جامعه‌شناسی و از خلال پژوهش‌های تجربی تجزیه و تحلیل کند. این قلمرو از جامعه‌شناسی ماهیتی انتقادی دارد و در بسیاری از موارد باورهای عمومی را که در جهت مشروعیت دادن به ارزش‌ها و باورهای ورزشی به کار می‌روند به چالش می‌کشد. در جهان امروز با وجود گسترش ارتباطات و تأثیر گسترده رسانه‌های ارتباطی همچنان جوامع از نظر فرهنگی از هم متمایز هستند و ورزش نیز به عنوان پدیده‌ای اجتماعی هم از عوامل فرهنگی و اجتماعی آن جامعه تأثیر می‌گیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد.

واقعیت دیگر، نابرابری میان زنان و مردان در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی است. با وجود اینکه زنان و مردان هر دو تأثیر اساسی بر بقای جامعه دارند، اما از نظر دسترسی به امکانات و بهره‌مندی از آن‌ها، نابرابری بین دو جنس وجود دارد. در حوزه جامعه‌شناسی ورزش نیز این به نابرابری توجه شده است.

ورزش به عنوان یک پدیده و نهاد اجتماعی که از سطح خرد تا کلان دارای شکل، ساختار و ماهیت ویژه خود است، حضور فعالانه مشارکت‌کنندگان ورزش اعم از مربیان، هواداران، صاحب‌نظران و ورزشکاران و به‌ویژه زنان را نیازمند است. از آنجایی که ورزش پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی است و به‌عنوان یک نهاد اجتماعی ارزش‌ها، هنجارها، ساختارها و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع را منعکس می‌کند، میزان مشارکت افراد در ورزش نیز تحت تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی قرار دارد. تحرک بدنی و ورزش، موقعیتی را برای زنان به وجود می‌آورد که در آن شرایط، زنان از مشکلات زندگی دور شده و در فاصله‌های متناوب و کوتاه مدت فرصتی پیدا می‌کنند تا تجارب شاد و خوشایندی را به‌دست آورند. بررسی و سنجش میزان مشارکت دانشجویان به‌عنوان بخشی از مهم‌ترین مردم جامعه و افرادی که آینده جامعه مدنی و ورزشی را تعیین می‌کنند شاید دورنمایی از وضعیت سال‌های بعد را برای ما ترسیم کنند.



## مقدمه و بیان مسأله

از اساسی‌ترین موضوعاتی که شناخت کمی درباره آن وجود دارد، این است که چرا میزان مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی اندک است و چه عواملی بر آن تأثیرگذار است؟ در ایران حدود ۱۳ درصد زنان ورزش می‌کنند در حالی که در میان مردان این رقم به ۸۷ درصد می‌رسد<sup>۱</sup>. میلر و راسل<sup>۲</sup> می‌گویند چند پرسش پیرامون رابطه زن با ورزش طرح شده و پاسخ‌هایی به آن‌ها داده شده است که در این پاسخ‌ها به کارکردهای فیزیولوژیکی و ساختارهای کالبدی و نیز تعادل روانی زن، آداب اجتماعی، آمادگی جسمانی و حجب و حیای زنانگی توجه شده است. اغلب این عوامل مانع از آن شده‌اند که زن بتواند، بر بهره‌مندی از حقوق کاملاً برابر با مردان، به مشارکت همه جانبه ورزشی اقدام کند. البته، این بدان معنا نیست که زنان بخواهند در مسابقات ورزشی ویژه مردان با آن‌ها رقابت کنند، بلکه به این معناست که کلیه فرصت‌ها، حقوق و امتیازاتی که مردان در ورزش از آن‌ها بهره‌مند هستند، برای زنان نیز فراهم آید (انورالخولی، ۱۳۸۱، ۱۰۳). همیشه زنان ورزشکار از کمبود اماکن ورزشی ناراضی هستند، از کمبود بودجه گلّه دارند و از بی‌نظمی‌های موجود در این حوزه سخن می‌گویند. و از اینکه مسئولیت‌های ورزشی کم‌تر به آن‌ها داده می‌شوند سؤال دارند. آکوستا و کارپنتر (۱۹۹۶) نشان دادند که تنها ۱۸ درصد از برنامه‌های ورزشی زنان دانشگاهی توسط خود زنان به عهده گرفته شده است (مور، ۲۰۰۸). مور در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسد که بین جنسیت مخاطب و مدیران ارشد رابطه معناداری وجود دارد و خود زنان از لحاظ مدیریتی تمایل دارند که مدیران ارشد آن‌ها از جنس خود آن‌ها باشند (مور، ۲۰۱۰). در برنامه چهارم توسعه، به تقویت جایگاه زن در صحنه‌های ملی و بین‌المللی ورزشی توجه شده است که در ارزیابی برنامه، میزان مشارکت دانشجویان در برنامه‌های ورزشی در مقایسه با هدف پیش‌بینی شده در برنامه، تحقق کامل را نشان می‌دهد که بیش‌تر به علت حضور پسران است (هدف برنامه ۱۲۶۸۶۳ نفر). همچنین جمعیت ورزش قهرمانی زنان (۶۳۲۲۹۵ نفر) نسبت به هدف برنامه (۱۵۳۹۷۸۶ نفر) عدم تحقق ۵۹ درصدی را نشان می‌دهد. آمارها همچنین به کاهش حضور زنان در مسابقات بین‌المللی همچون المپیک

۱. (ایسنا، ۱۴/۱۰/۱۳۸۸).

2. Miller & Russel

3. Moore

تابستانی (جو تیک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱) اشاره می‌کند، که این امر نیز ضرورت توجه به ورزش زنان را گوشزد می‌کند. از سوی دیگر هنوز در جامعه نگرش‌های منفی به فعالیت‌های ورزش بانوان وجود دارد و همین امر مشکلاتی برای زنان علاقه‌مند به ورزش ایجاد کرده است. وجود برخی خرده فرهنگ‌ها، باورهای قالبی و تعصبات خانوادگی، نگرش‌های منفی خانواده‌ها نسبت به ورزش بانوان، وجود مشکلاتی همچون عادات ماهیانه، بارداری و زایمان، طبیعت شکننده از لحاظ بدنی و روحی، مخالفت اعضای خانواده به خصوص پدران و همسران، آسیب‌های ورزشی و رشد عضلانی بدن که با چهره اجتماعی زن ناسازگار است، برخی از مشکلاتی هستند که برسر راه مشارکت زنان در ورزش وجود دارد. این درحالی است که پژوهش‌ها نشان می‌دهند زایمان آسان، ایمنی و مصونیت و رهایی یافتن از ناراحتی‌های پس از زایمان نعمت‌هایی هستند که زن ورزشکار از آن‌ها بهره مند می‌شود (حیدری، ۱۳۸۳: ۶۵).

این پژوهش درصدد شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت دختران دانشجو در ورزش در سطح فردی و گروهی بود. بدین منظور عواملی همچون رشته تحصیلی، حمایت اجتماعی، باورهای قالبی، نگرش خانواده، قومیت، پایگاه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، تمایل فردی و سودمندی ادراک شده و موانع اجتماعی مشارکت به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر فرایند مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی بررسی شد.

ورزش پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی است که پیوندی اندام‌وار با مجموعه نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد. نگرش علمی به پدیده ورزش تنها از رهگذر علوم طبیعی مانند بیومکانیک، بیوشیمی، فیزیولوژی و... صورت نمی‌گیرد، بلکه باید از علوم اجتماعی نیز به ویژه در هنگام بررسی ابعاد و جنبه‌های انسانی ورزش و موضوعات آن کمک گرفت؛ زیرا ورزش یکی از گونه‌های برجسته فعالیت انسان است که تنها از رهگذر افراد و گروه‌ها و چارچوب‌های اجتماعی، با همه درون مایه‌ها و برون داده‌های آن زمینه پیدایش می‌یابد. از این رو برخی از نویسندگان با برگزیدن رویکردی میان رشته‌ای به تحلیلی درباره فعالیت‌های ورزشی اقدام کرده‌اند.

هدف کلی از این پژوهش، بررسی میزان مشارکت دانشجویان دختر در فعالیت‌های



ورزشی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن است. اهداف جزئی پژوهش نیز عبارت بود از بررسی تأثیر رشته تحصیلی، حمایت اجتماعی، باورهای قلبی، نگرش خانواده، قومیت، پایگاه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، تمایل فردی و سودمندی ادراک شده و موانع اجتماعی مشارکت بر مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های ورزشی.

با بررسی پژوهش‌های پیشین مشخص شد که پژوهش‌های مزبور بیش‌تر به ورزش از دیدگاه اوقات فراغت توجه کرده‌اند و کمتر از لحاظ عوامل مؤثر دیگر به ورزش نگاه شده است. تأکید اکثر پژوهش‌ها بر عوامل فردی و اقتصادی بوده و کم‌تر به عوامل مؤثر دیگر از جمله عوامل اجتماعی و فرهنگی اشاره شده است. در زیر به چند نمونه از پژوهش‌های اجرا شده در این زمینه اشاره می‌شود:

پارسا مهر (۱۳۸۶): این پژوهش با هدف تبیین تأثیر خود اثربخشی ورزشی بر مشارکت بانوان شهر یزد و با روش پیمایشی از نمونه ۴۸۵ نفری از زنان ۱۵-۲۵ ساله شهر یزد انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سه متغیر حمایت اعضای خانواده، تشویق بهترین دوستان و تشویق معلمان و اساتید به مشارکت در فعالیت بدنی در مرحله اول و رگرسیون سلسله مراتبی و خود اثربخشی در مرحله دوم توانسته‌اند مجموعاً ۱۰ درصد از واریانس متغیر تحت مطالعه مشارکت زنان در فعالیت بدنی را تبیین کنند (پارسا مهر، ۱۳۸۶: ۱۹۹-۲۱۰).

احسانی و همکاران (۱۹۶۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که زنان برای فعالیت جسمانی، موانع بیش‌تری نسبت به مردان دارند. نتایج این پژوهش، علل حضور نیافتن زنان را در فعالیت‌های ورزشی، نداشتن یار کافی برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، تعهدات خانوادگی، کمی اطلاعات، خجالتی بودن، کمبود وسایل نقلیه و ناتوانی جسمی، بیان کرده است. اعلام فقدان اطلاع رسانی کافی به عنوان عامل بازدارنده و این مسأله که در زنان با تحصیلات بالاتر، موانع کم‌تری به عنوان مشکل وجود دارد، نیز از نتایج دیگر این پژوهش است (احسانی، هاردمن و کرول ۱۹۶۶، به نقل از کشکر و احسانی، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

پژوهش‌های گراتون و تاسین<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) و کولتر<sup>۲</sup> و همکاران (۱۹۹۵) علاوه بر بیان ارتباط قوی بین سطح تحصیلات و شرکت در ورزش، نشان می‌دهد افرادی که به صورت تمام وقت

1. Gratoon & Tice

2. Coalter

تحصیل می‌کنند، بیش‌ترین میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را دارند (احسانی و عزب دفتران، ۱۳۸۲، ۱۱۹).

گرین و هبرون<sup>۱</sup> در پژوهش‌ها نشان دادند که دوستان زنان در مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اوقات فراغت نقش بسیار مهمی دارند. علاوه بر این، فقدان تأیید اجتماعی که می‌تواند از طرف دوستان، اعضای خانواده یا افرادی که به نوعی می‌توانند دلایلی برفقدان تأیید آن فعالیت ارائه دهند و فرد را در انجام‌دادن آن همراهی نکنند، می‌تواند در بازداشتن زنان از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، مهم به حساب آید. کنترل اجتماعی زندگی زنان به وسیله شوهرانی که فعالیت آن‌ها را تشویق و ترغیب نمی‌کنند یا به روش‌های مختلف مشارکت زنان را برای شرکت در فعالیت‌های مورد علاقه آن‌ها با دشواری و مشکل مواجه می‌کنند، نیز از این نوع عوامل به شمار می‌آید (کشکر و احسانی، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

براساس نظریه فیش باین- آیزن و یادگیری اجتماعی گرایش فرد بر رفتار او تأثیر می‌گذارد. این گرایش می‌تواند نتیجه خود اثربخشی مثبت فرد از توانایی و احساس موفقیت در انجام کار باشد. همچنین گرایش مزبور می‌تواند ناشی از دیگران مهم یعنی افرادی باشد که بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند و در واقع نقش یک مرجع هدایت‌کننده رفتار را دارند. لذا پدر و مادر، دوستان نزدیک و همکاران یا اهالی محل می‌توانند میزان مشارکت ورزشی افراد را تحت تأثیر قرار دهند (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۱). مشارکت در نقش‌های ورزشی ابتدا توسط تشویق‌ها و پاداش‌هایی که افراد از سوی دیگران مهم دریافت می‌کنند و سپس وجود فرصت‌های مناسب برای افرادی که در شرایط خاصی اجتماعی می‌شوند، زمینه را برای پذیرش نقش‌های ورزشی به‌طور مثبتی، با برآورد میزان حمایت اجتماعی دریافت شده از سوی دیگران مهم، برآورده می‌کند.

یادگیری دارای سه جزء اصلی است. اول تداعی، که فرد با مشاهده رفتار دیگران، رفتار را یاد می‌گیرد؛ دوم تقویت است، یعنی در شرایطی که بروز رفتار خاص خوشایندی برای فرد داشته باشد آن را تکرار می‌کند؛ سوم تقلید است. براساس نظریه یادگیری اجتماعی افراد برای انجام‌دادن رفتارهای خود آن‌ها را ارزیابی می‌کنند و از انجام‌دادن رفتار انتظار نتیجه دارند. نتیجه می‌تواند در افزایش یا کاهش مشارکت ورزشی افراد تأثیرگذار باشد.



براساس نظریه سرمایه فرهنگی، که به صورت مادی و غیرمادی در اختیار فرد قرار می‌گیرد، دامنه فرصت‌ها، انتخابات و اختیارات بیش‌تری در اختیار فرد قرار می‌دهد و او را نسبت به اندیشه‌های نو پذیراتر می‌کند. در تعریف سرمایه فرهنگی آمده است که سرمایه فرهنگی عبارت از گرایش‌ها و عادات دیرپایی است که در طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و نیز اهداف فرهنگی ارزشمند نظیر صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی را شامل می‌شود (نوغانی، ۱۳۸۶: ۷۷). سرمایه فرهنگی سه شکل فرعی دارد:

۱- ذهنی فرهنگی: ماهیتی اکتسابی دارد و بیش‌تر در بعد زمان و فرهنگ و سنت از طریق اجتماعی شدن به دست می‌آید و به صورت ویژگی‌های فردی، روش فکر کردن و سرمایه زبانی خود را نشان می‌دهد.

۲- عینی فرهنگی: این بعد به ویژگی‌هایی اشاره دارد که به حاکمیت در می‌آید مانند ابزارها، آثار علمی و کارهای هنری، که انتقال‌پذیر به دیگری است.

۳- نهادی و ضابطه‌ای: اغلب به‌عنوان توانایی‌های دانشگاهی یا مدارک و مدارج علمی شناخته شده و بیش‌تر در بازار کار خود را نشان می‌دهد (بورديو و پاسرن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰).

سرمایه فرهنگی فرد را نسبت به تأثیرات مثبت ورزش آگاه‌تر می‌کند و دیدگاه بازتری نسبت به ورزش و مشارکت در فرد به وجود می‌آورد. پس سرمایه فرهنگی در افزایش یا کاهش مشارکت ورزشی تأثیرگذار است.

از سوی دیگر نظریه پردازان فمینیستی معتقد هستند که ورزش جنسیتی شده است و ورزش زنان به‌طور نظام‌یافته‌ای به‌عنوان یک امر ضد ارزشی، تحت فشار قرار گرفته و مورد استثمار واقع شده است (پارسا مهر، ۱۳۸۵: ۹۴). شاخه‌ای از این گرایش که با عنوان فمینیسم مارکسیستی مشخص می‌شود، بیان می‌کند که نابرابری‌های جنسیتی از نظام سرمایه‌داری، استثمار اقتصادی و طبقات ناشی شده است (بارل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰: ۱۲۵). براساس باور شاخه‌ای دیگر دیدگاه فمینیسم رادیکال نزد افرادی همچون کان و کلارک<sup>۳</sup>، گریفتن و لنسکی<sup>۴</sup>، ورزش

1. Bourdie & Passeron

2. Baerrel

3. kan & kelark

4. Lenski

به‌عنوان یک مکان دائمی سرکوب زنان نگریسته می‌شود. در گرایش فمینیسم سوسیالیستی نظر آن است که نقش دوگانه زنان در شغل و کارهای خانه، بر زمان و علاقه آنها به ورزش تأثیر می‌گذارد. در فمینیسم پساساختاگرا نه تنها تمام زنان برابر هستند، بلکه این امکان وجود دارد که زنان در چندین رشته ورزشی تجربه کسب کنند.

از سوی دیگر ایده کلیشه‌های جنسیتی، که بم مطرح کرده، بیان می‌کند که باورها و نگرش‌های موجود در جامعه درباره مردانگی و زنانگی بیان می‌کند کدام جنس قوی‌تر و در جامعه اهمیت بیش‌تری دارد. بر این اساس بعضی از رفتارها خاص یک جنس نشان داده می‌شود و ورزش به‌عنوان نوع خاصی از رفتار در اکثر جوامع خاص مردان تعریف شده است و زنان از انجام دادن آن محروم بوده‌اند. در این راستا، بسیاری از کودکان یاد گرفته‌اند که به‌طور فیزیکی فعالیت بازی کردن برای پسران مناسب‌تر از دختران است. از همین رو یک ارتباط نزدیک بین ورزش و خصوصیات مردی ایجاد شده است که آن را در جهت مقابل رفتارهای زنانه قرار می‌دهد (کی و جینز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۱۳۹-۱۳۸). بم در تئوری طرح‌واره جنسیتی خود بیان می‌کند که توقعات جنسی در سنین پایین به کودکان القا می‌شود (دوفر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹).

چافتز در نظریه خود تحت عنوان لایه‌بندی جنسیتی، نقش تعاریف اجتماعی را در تولید و باز تولید جنسیتی شرح داده است. او توضیح می‌دهد چگونه جامعه با تقسیم کار، منابع و امکانات بیش‌تری در اختیار مرد قرار داده است و آنها برای این که برتری خود را حفظ کنند سعی می‌کنند خود را قدرت‌مند نشان دهند. یکی از ابزارهای قدرت ورزش است. عناصر اصلی نظریه لایه‌بندی جنسیتی چافتز عبارت هستند از: نظام تقسیم کار کلان در سطح جامعه، برتری مردان در دست‌یابی به منابع مادی و منابع قدرت، تعاریف اجتماعی برای مقایسه زنان و مردان، شامل ایدئولوژی جنسیتی، هنجار جنسیتی و باورهای قالبی جنسیتی (احمدی و گروسی، ۱۳۸۳: ۹).

به نظر او از نظر فرهنگی مردان و زنان مجبور هستند تا به روش‌های خاصی رفتار کنند تا انتظارات فرهنگی را برآورده کنند. زنان به طور سنتی به عنوان موجوداتی تعریف می‌شوند که از نظر فیزیکی پایین‌تر هستند.

- 
1. Kay & jeans
  2. Dufur



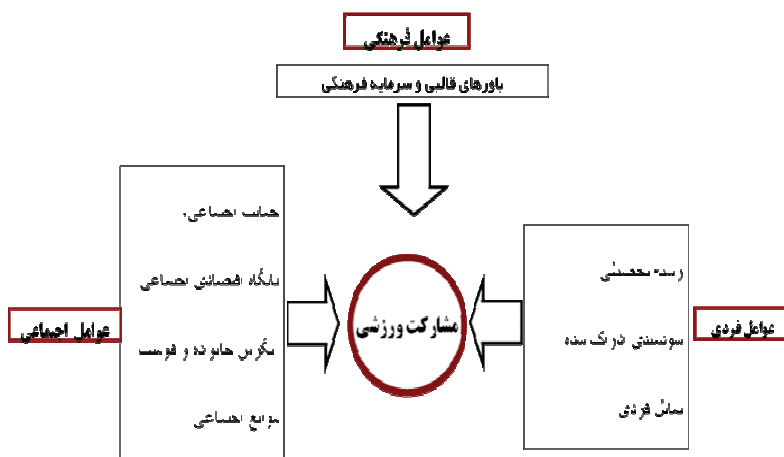


مدرک روشنی وجود دارد که فعالیت‌های جسمانی خاص، هنوز برای مردان و زنان به صورت خاصی نگریسته می‌شود. پژوهش‌های لی، فردن برگ، بلچر و کلوند، لیزج و همکاران، سالمون، لی، بلچر، هاریسون و ولز مؤید این دیدگاه است (لی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۴۹). چو معتقد است آن چه به نام موانع فیزیولوژیکی معرفی می‌شود بیش‌تر از موانع فرهنگی است که به حکم طبیعت زن، در مشارکت فعال او تأثیر می‌گذارد. می‌توان پاره خرافات را که با عملکرد ورزشی زن ارتباط پیدا می‌کند، چنین خلاصه کرد: بسیاری از مسابقات ورزشی به سینه زن آسیب می‌رساند، استخوان زن - برعکس استخوان‌های مرد - طبیعتاً شکننده است و زنان از لحاظ بدنی موجوداتی آسیب‌پذیر هستند، مشارکت فشرده زن در ورزش به رشد عضلانی بدن می‌انجامد که این با چهره اجتماعی زن ناسازگار است (انورالخولی، ۱۳۸۱: ۱۰۷ و ۱۰۸).

بر اساس نظریه‌های مزبور می‌توان به این نتیجه رسید که بین میزان پذیرش باورهای قالبی (شامل نقش‌های جنسیتی، رفتارهای جنسیتی و خرافات) و رفتارهای زنان در جامعه رابطه وجود دارد و زنانی که باورهای قالبی بیش‌تری را پذیرفته‌اند، مشارکت ورزشی زنان را با دید منفی نگاه می‌کنند. بنابراین، مشارکت کم‌تری در ورزش دارند. این پژوهش سه دسته عوامل تأثیرگذار بر مشارکت ورزشی افراد را بررسی می‌کند:

الف- عوامل تأثیرگذار فردی مانند تمایل فرد و سودمندی ادراک شده؛ ب) عوامل فرهنگی مانند باورهای قالبی و سرمایه فرهنگی؛ ج) عوامل اجتماعی مانند حمایت اجتماعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، نگرش خانواده و قومیت.

با توجه به نکات یاد شده مدل تحلیلی پژوهش به صورت زیر ترسیم می‌شود:



شکل ۱: مدل تحلیلی پژوهش

### فرضیه های پژوهش

- فرضیه اول: بین رشته تحصیلی و میزان مشارکت دختران دانشجوی در فعالیت های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین میزان حمایت اجتماعی و میزان مشارکت در فعالیت های ورزشی ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین باورهای قالبی و میزان مشارکت در فعالیت های ورزشی ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد.
- فرضیه چهارم: بین قومیت و میزان مشارکت در فعالیت های ورزشی ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه پنجم: بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان مشارکت در فعالیت های ورزشی ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه ششم: بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت در فعالیت های ورزشی ارتباط معناداری وجود دارد.
- فرضیه هفتم: بین میزان تمایل فردی و میزان مشارکت در فعالیت های ورزشی ارتباط



معناداری وجود دارد.

فرضیه هشتم: بین سودمندی ادراک شده و میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه نهم: بین میزان موانع اجتماعی و میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ارتباط معناداری وجود دارد.

### روش پژوهش

روش پژوهش پیمایشی و واحد تحلیل زنان ۱۸-۴۰ ساله بودند. سطح تحلیل فرد بود و دختران دانشجو دانشگاه بوعلی سینای همدان به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند (۵۰۹۶ نفر). روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بود. از مجموع هشت دانشکده ۳۸۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه از طریق فرمول کوکران به دست آمده است:

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[ \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

$$n = \frac{\frac{(2)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{5096} \left[ \frac{2^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right]} = 385$$

برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد و همزمان از فنون دیگری چون مصاحبه عمیق و ساخت‌مند، مشاهده و تحلیل محتوا نیز استفاده شد.

برای تهیه پرسشنامه، محقق بامد نظر قرارداد پرسشنامه‌های پیشین، خود نیز بر اساس فرضیه‌ها، پرسشنامه اولیه را تهیه کرده است. سپس با اجراگذاشتن پرسشنامه، کل گویه‌ها و سؤالات پرسشنامه در میان دختران دانشجو، که به روش تصادفی انتخاب شده بودند (۳۰ نفر)، ارزیابی شد. پس از آن با استفاده از اطلاعات حاصله از مرحله دوم در مواردی که پرسش‌ها نیاز به تجدید نظر داشت این کار انجام شد؛ در ضمن سؤالات پرسشنامه مجدداً مرتب شد و برای تعیین آلفای کرونباخ، در نمونه سی نفره آزمون شد و پس از حذف سؤالاتی که همبستگی درونی پایینی داشتند، پرسشنامه نهایی آماده شد. اعتبار این پرسشنامه از نوع صوری است، زیرا با استفاده از پرسشنامه‌های قبلی و نیز تأیید کارشناسان تدوین شده است. برای سنجش روایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شده است. پرسشنامه بر روی نمونه آزمون شد و پس از حذف

گویه‌های ناپایا، مقدار آلفا به سطح مورد نظر رسید. درباره شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی با تعداد ۵ گویه، مقدار آلفا برابر ۰/۷۶۶ شد. همچنین برای شاخص‌های حمایت اجتماعی، نگرش خانواده، سرمایه فرهنگی و تمایل فردی به ترتیب با تعداد ۶، ۱۱، ۱۰، ۷ گویه، مقدار آلفا به ترتیب عبارت بود از ۰/۷۷۷، ۰/۸۱۱، ۰/۸۱۶ و ۰/۶۷۸. علاوه بر این، شاخص‌های سودمندی ادراک شده (۷ گویه)، موانع اجتماعی مشارکت دختران (۴ گویه)، و باورهای قالبی (۲۰ گویه) دارای ضرایب آلفای ۰/۸۵۳، ۰/۸۵۸ و ۰/۸۳۸ بودند.

### یافته‌های پژوهش

تمایل فردی دارای سه بعد است:

- ۱- بعد آمادگی جسمی (رفتاری): بدن برای پذیرفتن محرک‌های بیرونی و تبدیل آن به عمل، آمادگی دارد.
- ۲- بعد فکری و آگاهی (شناختی): یعنی انسان در ذهن خودش می‌داند که یک چیز به چه علت خوب است یا بد.
- ۳- بعد احساسی (عاطفی): یعنی انسان بر اساس احساس (و نه بر اساس تفکر و حساب‌گری) قضاوت‌ها یا عکس‌العمل‌های ارزیابی کننده نسبت به پدیده‌های اطراف خود از خود نشان می‌دهد.

### الف- یافته‌های توصیفی پژوهش

نتایج نشان داد که ۵۹/۵ درصد از دوستان صمیمی پاسخگویان ورزش می‌کنند. همچنین ۹۸/۶ درصد از خانواده‌های پاسخگویان با ورزش کردن آن‌ها مخالفتی ندارند و ۴ / ۱ درصد خانواده‌ها با ورزش آن‌ها مخالف هستند. بیش‌ترین حامی مالی پاسخگویان در بین اعضای خانواده از طرف پدر با ۳۳/۴ درصد است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که تقریباً به همان نسبتی که دختران دانشجو عقیده دارند رسانه‌ها به میزان کمی در اشاعه ورزش تأثیر دارند، به همان نسبت نیز عقیده دارند تأثیرگذاری رسانه‌ها در حد زیاد است. ۲۷/۹ درصد نیز تأثیر رسانه‌ها را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. ۸۷/۶ درصد پاسخگویان مجرد و بقیه متأهل بوده‌اند. ۳۷/۶ درصد آن‌ها ساکن همدان و بقیه ساکن



سایر شهرستان‌ها بوده‌اند. به لحاظ وضعیت سنی، ۵۹/۱ درصد پاسخگویان بین ۲۱-۲۴ سال، ۳۰/۵ درصد بین ۱۸-۲۱ سال و بقیه بیش از ۲۴ سال سن داشته‌اند. به لحاظ قومی، ۵۸/۹ درصد فارس، ۱۷/۲ درصد کرد، ۱۰/۶ درصد لر، ۱/۷ درصد عرب و ۹/۲ درصد ترک بوده‌اند. وضعیت تحصیلی خانواده پاسخگویان به شرح زیر است:

جدول ۱: وضعیت تحصیلی خانواده پاسخگویان

شاخص	کم‌تر از دیپلم	دیپلم	بالاتر از دیپلم
پدران	۲۶/۴	۳۸/۲	۳۵/۳
مادران	۳۵/۹	۴۳/۷	۲۰/۴
همسران	۳۵/۳	۲۰/۴	۷۶/۹

به لحاظ وضعیت مسکن، ۸۶/۱ درصد پاسخگویان دارای منزل شخصی، ۹/۵ درصد منزل استیجاری، ۲/۳ درصد منزل رهنی و بقیه دارای منزل سازمانی بودند. همچنین، ۴/۳ درصد پاسخگویان کم‌تر از ۵۰۰ هزار تومان در ماه درآمد داشته‌اند، ۵۴/۸ درصد بین ۵۰۰-۸۰۰ هزار تومان و بقیه بالاتر از ۸۰۰ هزار تومان درآمد ماهیانه داشته‌اند.

تمایل فردی در سه سطح سنجیده شده است:

- ۱- بعد آمادگی جسمی (رفتاری): بدن برای پذیرفتن محرک‌های بیرونی و تبدیل آن به عمل، آمادگی دارد.
  - ۲- بعد فکری و آگاهی (شناختی): یعنی انسان در ذهن خودش می‌داند که یک چیز به چه علت خوب است یا بد.
  - ۳- بعد احساسی (عاطفی): یعنی انسان بر اساس احساس (و نه بر اساس تفکر و حساب‌گری) قضاوت‌ها یا عکس‌العمل‌های ارزیابی‌کننده نسبت به پدیده‌های اطراف خود از خود نشان می‌دهد. در بعد رفتاری بیش از نیمی از دختران تمایل زیادی به ورزش دارند. از نظر عاطفی ۶۱/۸ درصد تمایل زیاد و تنها ۴ درصد تمایل کمی به ورزش دارند. در بعد شناختی تمایل بیش از نیمی از دختران در گروه کم و تنها ۲/۴ درصد در گروه زیاد قرار می‌گیرند.
- نتایج نشان داد که ۲ درصد پاسخگویان حمایت اجتماعی آن‌ها در سطح کم است. ۳۰/۸

درصد افراد شاخص حمایت اجتماعی آنها در سطح متوسط است. ۶۷/۲ درصد پاسخگویان نیز در سطح زیاد دارای این شاخص بوده‌اند. ۲۹/۷ درصد پاسخگویان موانع مشارکت در سطح کمی داشتند. ۶۰/۶ درصد موانع مشارکت آنها در سطح متوسط بود. باورهای قالبی در سه مقوله در نظر گرفته شده‌اند:

- ۱- باورهایی درباره تفاوت‌های جنسیتی که گویه‌هایی در ارتباط با این که ورزش فعالیت مردانه است نه زنانه یا وظایف زنان مغایر با ورزش است؛ در نظر گرفته شده است.
- ۲- خرافاتی که درباره ورزش زنان وجود دارد مانند ورزش باعث آسیب به زنان می‌شود.
- ۳- گویه‌هایی که نسبت به ورزش دیدگاه مثبت دارد مانند عقل سالم در بدن سالم. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد.

که ۷۷/۲ درصد پاسخگویان باورهای قالبی در سطح کمی داشتند. به لحاظ سرمایه فرهنگی نیز، ۱۳/۵ درصد به میزان کم، ۷۵/۵ درصد به میزان متوسط، بقیه دارای میزان زیاد سرمایه فرهنگی بوده‌اند.

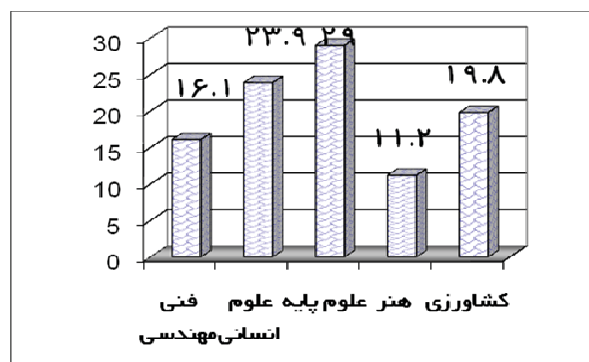
برای سنجش مشارکت ورزشی، از سؤالات محقق ساخته، که شامل میزان ساعت و تعداد روزهای مشارکت دختران در ورزش، سطوح موفقیت ورزش زنان، لذت از ورزش و رضایت از امکانات استفاده شده است. بر این اساس، ۲/۱ درصد کم، سه چهارم متوسط و بقیه دارای میزان زیاد مشارکت ورزشی بوده‌اند.

برای سنجش سودمندی ادراک شده از سه بعد استفاده شده است که بعد از تحلیل عاملی بر روی یازده گویه مربوطه سه بعد آن مشخص شده است که عبارت هستند از بعد جسمانی، بعد روحی و بعد اجتماعی. نتایج گویای، ۳ درصد کم، ۲۵/۸ درصد متوسط و ۷۱/۲ درصد زیاد ارزیابی شده‌اند.

در ۳ درصد پاسخگویان سودمندی ادراک شده در سطح کم است. ۲۵/۸ درصد سودمندی ادراک شده آنها در سطح متوسط است. ۷۱/۲ درصد نیز در سطح زیاد دارای شاخص سودمندی ادراک شده بوده‌اند. نتایج ابعاد مختلف سودمندی ادراک شده نشان می‌دهد که در ابعاد روحی و جسمی بیش از ۷۰ درصد دختران در گروه زیاد و کم‌تر از درصد در گروه کم قرار می‌گیرند. در بعد اجتماعی نیز بیش از نیمی از دختران در گروه متوسط و ۳۹/۱ درصد در گروه زیاد دسته‌بندی می‌شوند.



## ب- یافته‌های تحلیلی پژوهش



نمودار ۱: فراوانی رشته تحصیلی

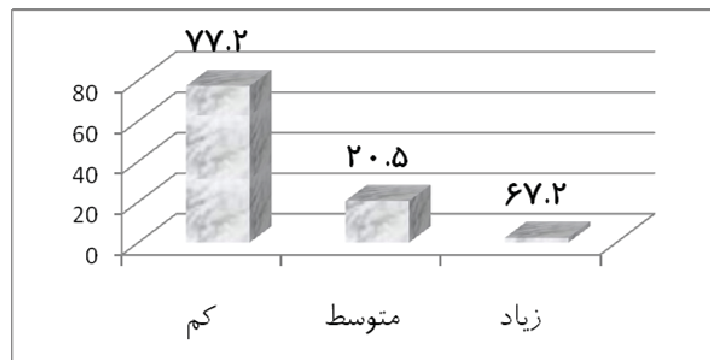
جدول ۲: آزمون فرضیه اول

آماره‌ها	تعداد	میانگین
فنی مهندسی	۵۶	۳۵/۸۰
علوم انسانی	۷۷	۳۵/۶۵
علوم پایه	۹۸	۳۵/۳۹
هنر	۳۹	۳۵/۵۶
کشاورزی	۶۵	۳۷/۴۳

مقدار F: ۱.۵۶      درجه آزادی: ۴      سطح معناداری: ۰.۱۸۲

فرضیه اول: نتایج آزمون فرضیه فوق نشان می‌دهد که بیش‌ترین میزان مشارکت در دانشجویان رشته‌های پزشکی و کم‌ترین مشارکت در دانشجویان علوم پایه مشاهده می‌شود. در نتیجه در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار نیست. فقدان معناداری فرضیه فوق می‌تواند به این دلیل باشد که جامعه آماری مورد نظر در یک سطح از تحصیلات بوده‌اند و به‌خوبی نشانه گروه‌های مختلف تحصیلی نبوده‌اند.

به لحاظ آزمون فرضیه دوم، میزان ضریب پیرسون با سطح معناداری ۰.۰۱۲ برابر با ۰.۱۴۸ به دست آمده است (با تعداد ۲۹۱ مورد) که می‌توان گفت فرضیه تأیید شده است. بر اساس تئوری فیش باین و تئوری یادگیری اجتماعی افراد و گروه‌هایی که در زندگی فرد مهم هستند و مرجع هدایت کننده رفتار فرد هستند و با فراهم کردن حمایت‌های اجتماعی زمینه لازم برای مشارکت ورزشی افراد فراهم می‌کنند در مشارکت ورزشی زنان نقشی مهم دارند. دیگران مهم می‌توانند با تشویق و حمایت خود یا تنبیه و ممانعت از رفتار خاصی باعث ترغیب یا احتراز از آن شوند. بنابراین، تئوری اگر از زنان برای مشارکت در ورزش حمایت اجتماعی بیش‌تری شود، مشارکت افزایش می‌یابد و در غیر این صورت باعث فقدان مشارکت در ورزش می‌شود. بنابراین، نتایج پژوهش تأییدی دوباره بر تئوری فوق است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پارسا مهر (۱۳۸۵) و محبی (۱۳۷۹) هماهنگی دارد.



نمودار ۲: شاخص باورهای قالبی

با توجه به این که ضریب پیرسون با سطح معناداری ۰.۰۰۰ برابر با ۰.۳۰۵- شده است می‌توان فرضیه سوم را تأیید شده دانست. نتیجه این فرضیه منطبق با نظریه کلیشه‌های جنسیتی سندرابم و نظریه جنسیتی چافتز است.

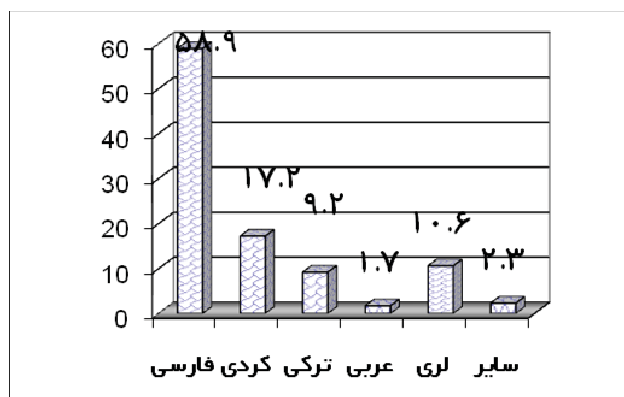
بر اساس این نظریات، تصورات قالبی جنسیتی بر رفتارهای اجتماعی زنان تأثیرگذار است و به صورت مانعی در انجام فعالیت‌های ورزشی زنان عمل می‌کند و بر این اساس وظایف





زنان را بیش‌تر کارهای منزل و نگهداری از بچه می‌دانند و ورزش را فعالیتی مردانه در نظر می‌گیرند. بنابراین، وجود کلیشه‌های جنسیتی و هنجارهای جنسیتی که بازتولید نابرابر نظام قشریندی جامعه هستند باعث می‌شود که بیش‌تر زنان از پرداختن به ورزش منع می‌شوند در عوض اگر میزان کلیشه‌های جنسیتی و هنجارهای جنسیتی در افراد کم‌تر درونی شود یا سطح سرمایه فرهنگی افراد بالاتر باشد میزان مشارکت زنان در ورزش افزایش می‌یابد. بنابراین، میزان باورهای قالبی زنان کم‌تر است.

با مقدار برابر با ۱/۰۰۹ و درجه آزادی ۵ و سطح معناداری ۰.۴۱۲ می‌توان از تأیید فرضیه چهارم سخن گفت.



نمودار ۳: قومیت

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی باندورا استدلال شده بود که فرهنگ‌ها و قومیت‌ها می‌توانند دیدگاه‌های مثبت و منفی را نسبت به رفتارهای خاص در افراد درونی کنند. نتایج نشان داد که اختلاف معناداری بین میزان مشارکت ورزشی دختران از قومیت‌های مختلف مشاهده نمی‌شود. در توجیه نتیجه به دست آمده می‌توان گفت که محیط دانشگاه و دوری از شهر محل تولد موجب همگونی برخی رفتارها در میان دانشجویان می‌شود که مشارکت ورزشی نیز از آن جمله است. احتمالاً اگر پژوهش گذشته نگرسنجیده شده بود، تفاوت بین

قومیت‌ها معنادار می‌شد.

ضریب پیرسون به‌دست آمده در سطح معناداری ۰.۷۷۷ برابر با ۰.۱۸ بوده است و لذا فرضیه پنجم رد می‌شود.

پایگاه اقتصادی اجتماعی به‌عنوان یک متغیر زمینه‌ای و کلاسیک همواره مورد توجه محققان بوده است. در این پژوهش بر اساس بعد عینی آن یعنی امکانات و منابع اقتصادی موجود در درون خانواده افراد سنجیده شده است هر چند رابطه معناداری بین آن و متغیر اصلی پژوهش مشاهده نشده است که مهم‌ترین دلیل آن همگونی دانشجویان از لحاظ دسترسی و وجود امکانات در محیط دانشگاه باشد که دانشجویان دارای پایگاه اجتماعی بالا و دانشجویان دارای پایگاه اجتماعی پایین هر دو از یک سطح امکانات می‌توانند استفاده کنند. ضریب پیرسون در سطح معناداری ۰.۴۲ برابر ۰.۱۳۶ بوده است و لذا فرضیه ششم تأیید می‌شود.

بنا به تئوری سرمایه فرهنگی پیر بوردیو که گرایش‌ها و عادات دیرپا که در طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و نیز اهداف فرهنگی ارزشمند نظیر صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی را در بر می‌گیرد و از زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی تأثیر می‌پذیرد و خود سرمایه فرهنگی زیر بنای تقویت و آگاهی فرد است. دامنه فرصت‌ها، انتخابات و اختیارات بیش‌تری در اختیار فرد قرار می‌دهد و افراد نسبت به اندیشه‌های نو‌پذیرتر می‌شوند و در انتخابات زندگی توان‌تر می‌شوند. بنابراین، داشتن سرمایه فرهنگی بالاتر می‌تواند باعث افزایش آگاهی افراد از تأثیرات مثبت ورزش بوده و زمینه مشارکت زنان در ورزش را افزایش می‌دهد.

تأیید این فرضیه با پژوهش شارع پور هماهنگی دارد مبنی بر اینکه سرمایه فرهنگی عامل تأثیرگذار بر گرایش به ورزش در افراد است. در بعد رفتاری بیش از نیمی از دختران تمایل زیادی به ورزش دارند. ۳۱/۸ درصد تمایل کم یا متوسط دارند.



جدول ۳: شاخص بعد رفتاری تمایل فردی

شاخص	گروه‌ها	فراوانی	درصد
شاخص بعد رفتاری تمایل فردی	کم	۱۳	۳/۸
	متوسط	۹۶	۲۸
	زیاد	۲۳۴	۶۸/۲
جمع		۳۴۳	۱۰۰.۰

از نظر عاطفی ۶۱.۸ درصد از دختران دانشجو تمایل زیاد و تنها ۴ درصد تمایل کمی به ورزش دارند.

جدول ۴: شاخص بعد عاطفی تمایل فردی

شاخص	گروه‌ها	فراوانی	درصد
شاخص بعد عاطفی تمایل فردی	کم	۱۴	۴
	متوسط	۱۱۸	۳۴/۲
	زیاد	۲۱۴	۶۱/۸
جمع		۳۴۶	۱۰۰.۰

بعد شناختی با ۶ گویه سنجیده شده است. پس از جمع نمرات اکتسابی و گروه‌بندی آن‌ها نتایج زیر به دست آمد. در بعد شناختی تمایل بیش از نیمی از دختران در گروه کم و تنها ۲.۴ درصد در گروه زیاد قرار می‌گیرند.

جدول ۵: شاخص بعد رفتاری تمایل فردی

شاخص	گروه‌ها	فراوانی	درصد
شاخص بعد شناختی تمایل فردی	کم	۲۱۶	۶۳/۵
	متوسط	۱۱۶	۳۴/۱
	زیاد	۸	۲/۴
جمع		۳۴۰	۱۰۰.۰

ضریب یرسون در سطح معناداری ۰.۰۰۰ برابر با ۰.۴۲۰ بوده است و لذا نتیجه تأیید فرضیه هفتم است.

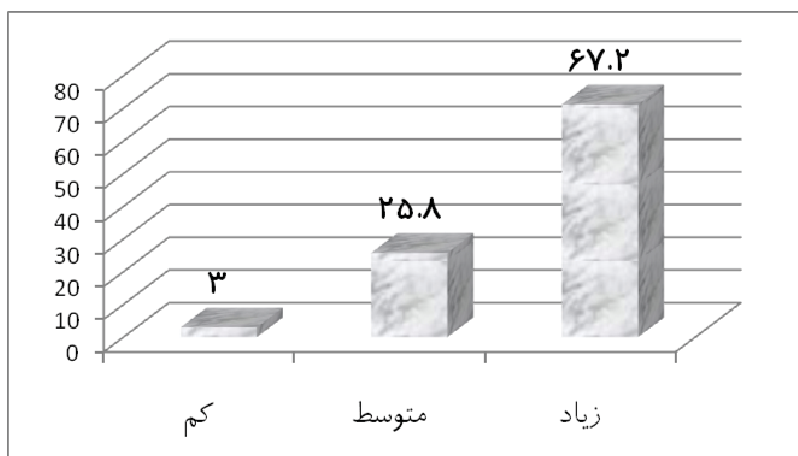
بر اساس نظریه فیش باین و آیزن رفتار فرد تحت تأثیر نفوذ اجتماعی است، اما ویژگی‌های خود فرد هم تأثیرگذار است. از دیدگاه باندورا اگر فرد دارای خوداثربخشی بالایی باشد، فرصت بیشتری برای توجه به ورزش دارد. بنابراین، گرایش فرد و ویژگی‌های درونی او عامل مهمی برای مشارکت در ورزش است. تأیید این فرضیه باتنایج پژوهش‌های شارع‌پور (۱۳۸۸)، پارسامهر (۱۳۸۶) و ککشر و احسانی (۱۳۸۶) هماهنگ است.

سودمندی ادراک شده در سه بعد روحی و جسمی (۶ گویه) و اجتماعی (۳ گویه) سنجیده شده است. در ابعاد روحی و جسمی بیش از ۷۰ درصد دختران در گروه زیاد و کمتر از ۳ درصد در گروه کم قرار می‌گیرند. در بعد اجتماعی بیش از نیمی از دختران در گروه متوسط و ۳۹/۱ درصد در گروه زیاد دسته‌بندی می‌شوند.

جدول ۶: گروه‌بندی ابعاد سودمندی ادراک شده

گروه‌ها	بعد روحی		بعد جسمانی		بعد اجتماعی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم	۵	۱/۵	۸	۲/۳	۱۲	۳/۵
متوسط	۹۴	۲۷/۶	۹۲	۲۶/۵	۱۹۵	۵۷/۴
زیاد	۲۴۱	۷۰/۹	۲۴۷	۷۱/۲	۱۳۳	۳۹/۱
جمع	۳۴۰	۱۰۰/۰	۳۴۷	۱۰۰/۰	۳۴۰	۱۰۰/۰

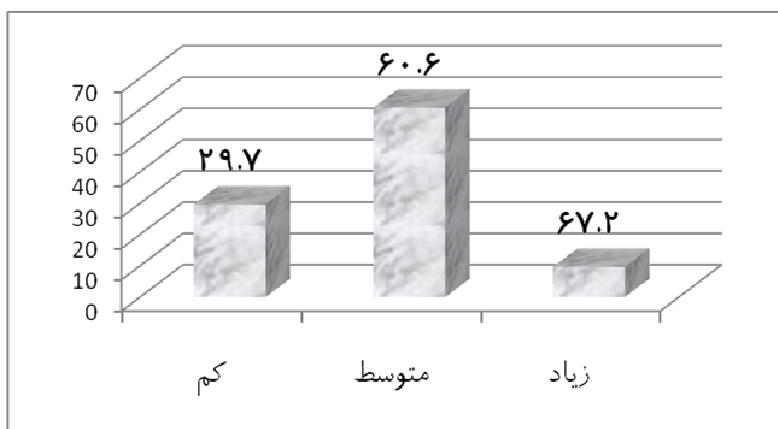
برای ساختن این شاخص، نمرات کسب شده از ۱۱ گویه مربوطه را با یکدیگر جمع کرده و افراد بر حسب نمرات به دست آمده در سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند. گروه اول، پاسخگویان دارای سودمندی ادراک شده در سطح کم (۳ درصد)؛ گروه دوم، پاسخگویان دارای سودمندی ادراک شده در سطح متوسط (۲۵/۸)؛ گروه سوم، پاسخگویان دارای شاخص سودمندی ادراک شده در سطح زیاد (۷۱/۲).



نمودار ۴: شاخص سودمندی ادراک شده

ضریب پیرسون در سطح معناداری  $0.000$  برابر با  $0.234$  بوده است و لذا فرضیه هشتم تأیید می‌شود.

سودمندی در اینجا به معنای انتظار نتیجه مثبت حاصل از مشارکت‌های ورزشی و انجام دادن فعالیت‌های فیزیکی است. باورهای فرد درباره نتایج حاصل از انجام دادن ورزش به سه دسته تقسیم می‌شود: سودمندی جسمی، سودمندی روحی و سودمندی اجتماعی (محبی، ۱۳۷۹: ۷۳). نتایج بررسی فرضیه فوق گویای این است که رابطه در سطح ۹۵ درصد معنادار است. همان‌طور که در جدول نیز مشاهده می‌شود هر سه بعد سودمندی ادراک شده دارای درصدهای بالایی برای تبیین مشارکت ورزشی بوده‌اند. لذا هرچه سودمندی ادراک شده بیش‌تر باشد، میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بیش‌تر است.



نمودار ۵: شاخص موانع مشارکت دانشجویان دختر

ضریب پیرسون در سطح معناداری  $0.029$  برابر با  $0.124$  بوده است و فرضیه نهم تأیید می‌شود.

نتایج پژوهش، علل حضور نیافتن زنان را در فعالیتهای ورزشی، حمایت‌نشدن از سوی خانواده، مخالفت اعضای خانواده، نداشتن علاقه، نداشتن همراه در امر ورزش، خرافات درباره ورزش زنان، نداشتن اطلاعات لازم درباره تأثیرات ورزش، ترس از آسیب‌دیدگی، فقدان منابع و امکانات، فقدان دسترسی به امکانات ورزشی مخصوص بانوان، نداشتن وقت کافی، کم‌رویی، پوشش و حجاب، سپردن مدیریت مراکز ورزشی به آقایان نشان می‌دهد.

### تحلیل رگرسیون

با توجه به نتایج فرضیات، متغیرهای وارد شده شامل تمایل فردی، سرمایه فرهنگی، موانع اجتماعی، سودمندی ادراک شده، باورهای قلبی و حمایت اجتماعی هستند. جداول مربوطه از خروجی Spss آورده شده است.



جدول ۷: تبیین تغییرات متغیر وابسته (مشارکت ورزشی)

model Summary				
Std. Error of The Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	مدل
۴.۳۷۳۳۷	.۱۴۷	.۱۷۸	.۴۲۲a	۱

a. Predictors: (constant) تمایل فردی، سرمایه فرهنگی، موانع اجتماعی، حمایت اجتماعی، باورهای قالبی، سودمندی ادراک شده

تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده ( $R_{Ad}$ ) ۱۴/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته (مشارکت ورزشی) به وسیله متغیرهای فوق تبیین می‌شود. جدول بعدی معنادار بودن آزمون ANOVA را برای معادله رگرسیون نشان می‌دهد. سطح خطای محاسبه شده کم‌تر از ۵/۰٪ شده است. لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کل رگرسیون معنادار است.

جدول ۸: معناداری معادله رگرسیون

ANOVA <sup>b</sup>					
Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Square	مدل
a	۵.۶۳۸	۱۰۷.۸۲۵	۶	۶۴۶.۹۵۰	Regression
.۰۰۰		۱۹.۱۲۶	۱۵۶	۲۹۸۳.۷۱۳	Residual
			۱۶۲	۳۶۳۰.۶۶۳	Total

a. Predictors: (constant) تمایل فردی، سرمایه فرهنگی، موانع اجتماعی، حمایت اجتماعی، باورهای قالبی، سودمندی ادراک شده

b. Dependent variable: مشارکت ورزشی

با توجه به مقادیر ثابت و بتا می‌توان معادله رگرسیون را به صورت زیر ارائه کرد: (سرمایه فرهنگی) + ۰/۲۶ (سودمندی ادراک شده) - ۰/۲۱ (تمایل

فردی (۴۲/۰+۲۴/۶۴=مشارکت ورزشی)

جدول ۹: تأثیر عوامل مؤثر بر مشارکت ورزشی

Coefficients <sup>a</sup>					
Sig	t	Standardized	Unstandardized		مدل
		Coefficients	Std. Error	B	
		Beta			
/۰۰۰	۵/۷۶۵		۴/۲۷۲	۲۴/۶۳۷	Constant
/۶۳۶	-/۷۴۷	-/۰۳۹	/۰۳۶	-/۰۱۷	باورهای قالبی
/۷۹۵	/۲۶۰	/۰۱۹	/۱۱۷	/۰۳۰	حمایت اجتماعی
/۰۰۰	۴/۳۵۲	/۴۸۳	/۰۹۸	/۴۲۴	تمایل فردی
/۰۲۰	۲/۳۵۶	/۱۷۵	/۱۱۱	/۲۶۱	سرمایه فرهنگی
/۰۱۵	-۲/۴۵۶	-/۲۶۷	/۰۴۸	-/۲۰۶	سودمندی ادراک شده
/۱۵۸	-۱/۴۲۰	-/۱۱۳	/۰۴۲	-/۰۶۰	موانع اجتماعی

مشارکت ورزشی: Dependent Variable

با توجه به مقادیر بتا می‌توان استدلال کرد که بیش‌ترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای پیش‌بین تمایل فردی، متغیرهای سودمندی ادراک شده و سرمایه فرهنگی دارا هستند. متغیرهای باورهای قالبی، حمایت اجتماعی و موانع اجتماعی از معادله رگرسیون حذف شده‌اند. مشارکت در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی همواره واجد اهمیت بوده و متفکران در حوزه‌ها و ابعاد گوناگون آن را بررسی کرده‌اند. تئوری‌های بسیاری در باب آن تدوین شده و پژوهش‌های تجربی بسیاری بر محور آن انجام شده است. مباحث مشارکت به‌خصوص وقتی مربوط به جنسیت زنان می‌شود تئوری‌های فمینیستی خود را نمایان می‌کرده و بیش‌تر رنگ و بوی موانع فرهنگی به چشم می‌خورد. همچنان که نتایج پژوهش نشان داد، اکثر تئوری‌های مطرح شده در سطح نظری، در سطح تجربی نیز منطبق با واقع بودند، که این نشان دهنده غنای نظری این حوزه است. برای مثال، بر اساس تئوری فیش باین و تئوری یادگیری اجتماعی افراد و گروه‌هایی که در زندگی فرد مهم هستند و مرجع هدایت‌کننده رفتار فرد هستند مانند پدر و مادر، دوستان، نزدیکان که با فراهم کردن حمایت‌های اجتماعی زمینه لازم برای مشارکت ورزشی افراد فراهم می‌کنند نقش مهمی در مشارکت ورزشی زنان دارند. دیگران مهم یعنی





افرادی که بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند می‌توانند با تشویق و حمایت خود یا تنبیه و ممانعت از رفتار خاصی باعث ترغیب یا احتراز از آن شوند بنابراین تئوری، اگر حمایت اجتماعی بیش‌تری از زنان برای مشارکت در ورزش انجام شود مشارکت آن‌ها افزایش می‌یابد و در غیر این صورت باعث فقدان مشارکت در ورزش می‌شود. بنابراین، نتایج پژوهش تأییدی دوباره بر تئوری فوق است.

نتایج این پژوهش با پژوهش پارسا مهر (۱۳۸۵) که در آن حمایت اجتماعی باعث افزایش مشارکت ورزشی می‌شود و پژوهش محبی (۱۳۷۹) مبنی بر مؤثر بودن دیگران مهم در افزایش گرایش زنان به ورزش هماهنگی دارد.

بنابراین، به نظرمی‌رسد تلاش‌های عملی برای بهبود مشارکت ورزشی بانوان، از حیث نظریه‌پردازی غنای لازم را داشته و نیازی به تئوری‌های پیچیده و تحلیل‌های چند لایه احساس نمی‌شود و نمی‌توان کم‌کاری در حیطه عملی را متوجه کاستی‌های نظری کرد. با این حال میزان مشارکت ورزشی دختران با وجود دسترسی بهتر به امکانات ورزشی، در حد مقبولی قرار ندارد.

مشارکت ورزشی دختران در جوامع در حال گذار و سنتی، تحت تأثیر میزان پایین مشارکت عمومی زنان در جامعه است. موانع فرهنگی و اجتماعی نقش برجسته‌تری نسبت به موانع اقتصادی و فردی بازی می‌کند. لذا به نظر می‌رسد برای افزایش مشارکت ورزشی که منجر به شادابی نسل حاضر و سلامت نسل آینده خواهد شد، کار بر روی فرهنگ عمومی و زدودن باورهای قالبی باید در اولویت قرار گیرد.

پیشنهاد‌های برخاسته از پژوهش عبارت هستند از :

خانواده: به عنوان اولین نهادی که باعث جامعه‌پذیر شدن افراد می‌شود می‌تواند با داشتن نگرش مثبت نسبت به ورزش افراد، مخصوصاً دختران، بیش‌ترین تشویق و حمایت را از آن‌ها داشته باشند. همان‌گونه که در این پژوهش اشاره شد خانواده هم از نظر نگرش و هم از نظر حمایت‌های عاطفی، مالی تأثیر زیادی در مشارکت ورزشی زنان دارند. خانواده‌ها می‌توانند با ثبت نام دختران خود در مراکز ورزشی تشویق و حمایت آن‌ها میزان مشارکت ورزشی زنان را در آینده افزایش دهند.

در سازمان‌های اداری دولتی و خصوصی که دارای زنان کارمند هستند می‌توانند مکانی را

به ورزش اختصاص دهند و در هفته چند ساعتی را به ورزش بانوان اختصاص دهند یا اگر این اقدام میسر نیست می‌توانند از مکان‌های ورزشی نزدیک به آن سازمان زمان‌هایی را در اختیار ورزش زنان کارمند قرار دهند.

صدا و سیما: می‌تواند از طریق ارائه تبلیغاتی با مضمون گسترش فعالیت‌های ورزشی بین مردم، با هدف فرهنگ‌سازی و اعلام برنامه‌های تفریحی ورزشی بانوان که از طرف نهادهای مختلف در مکان‌های گوناگون برگزار می‌شود به نهادینه کردن ورزش بانوان در جامعه کمک کند.

شهرداری‌ها: از طریق احداث فضاهای ورزشی سرپوشیده و روباز همگانی با بهره‌گیری از مربیان تحصیل‌کرده در رشته تربیت بدنی و برگزاری مسابقات تفریحی ورزشی گروهی و خانوادگی به مناسبت‌های مختلف و توزیع وسایل ورزشی ارزان قیمت بین مردم. بر اساس آمارهای سازمان تربیت بدنی کل کشور، بیش‌ترین گرایش زنان و دختران کشور به ورزش همگانی است. بر این اساس تربیت بدنی می‌تواند با افزایش ورزش‌های عمومی و همگانی زمینه حضور گسترده بانوان در ورزش را فراهم آورد.

آموزش عالی: از طریق آشنا کردن دانشجویان با انواع ورزش‌های همگانی و توسعه آن‌ها در دانشگاه‌ها، برگزاری مسابقات در شاخه‌های متنوع ورزش‌های همگانی و تفریحی و اهدای جوایز ورزشی به برندگان مسابقات. همچنین آموزش و پرورش از طریق آموزش بازی‌های تفریحی ورزشی، بومی و محلی به دانش‌آموزان و برگزاری چنین مسابقاتی به مناسبت‌های مختلف در مدارس و اهدای جوایز ورزشی می‌تواند موجب افزایش سطح آگاهی و انتخاب افراد جامعه باشد و براساس نتایج پژوهش حاضر سرمایه فرهنگی عامل مهمی در افزایش مشارکت زنان در ورزش است.



## منابع

- انور الخولی، امین (۱۳۸۱). ورزش و جامعه، ترجمه حمیدرضا شفیعی، چاپ اول، تهران: سمت.
- احسانی، محمد و عزب دفتران، مریم (۱۳۸۲). بررسی علل‌های بازدارنده مشارکت فعالیت‌های ورزشی دختران دانشجو، دانشگاه آزاد خوراسگان، فصلنامه المپیک، سال یازدهم، شماره ۳ و ۴ (پیاپی) پاییز و زمستان، صص ۳۴-۵۹.
- احمدی، حبیب و گروسی، سعیده (۱۳۸۳). بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی، فصلنامه مطالعات زنان، سال دوم، شماره ۶، زمستان، صص ۲۱-۳۴.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۱). کنش‌های ورزشی و کنش‌های اجتماعی، ترجمه محمدرضا فرزاد، فصلنامه ارغنون، ج ۲۰، دوره دوم، تابستان، صص ۲۲۷-۲۴۶.
- پارسا مهر، مهربان (۱۳۸۶). بررسی تأثیر خود اثربخشی بر مشارکت بانوان در فعالیت‌های بدنی (مطالعه موردی: بانوان شهر یزد) مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی) جلد بیست و هشتم - شماره ۷، صص ۱۷-۳۱.
- پارسامهر، مهربان (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: استان مازندران) پایان نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- حیدری بیگوند، داریوش (۱۳۸۳). بررسی مسائل و مشکلات زنان و دختران ۱۸ تا زیر ۵۰ ساله شهر مشهد و عوامل مؤثر بر آن، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۲، تابستان، صص ۶۷-۸۱.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستاییان به جهاد سازندگی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستاییان.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۱). بررسی علل مؤثر بر گرایش دانشجویان دختر و پسر نسبت به ورزش در اوقات فراغت در ایران، طرح پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.

کشگر، سارا و احسانی، محمد (۱۳۸۶). بررسی اهمیت عوامل بازدارنده زنان تهران از مشارکت در ورزش تفریحی با توجه به خصوصیات فردی، فصلنامه مطالعات زنان، سال پنجم، شماره ۲.

مجیبی، فاطمه (۱۳۷۹). سنجش عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر گرایش بانوان به ورزش، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، دانشگاه الزهراء (س).

نوغانی، محسن (۱۳۸۶). تأثیر نابرابری سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان پیش دانشگاهی در دستیابی به آموزش عالی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲۳، پاییز، صص ۸۷-۹۱.

Baerrel, S(2000). *Feminist Theories Of Sport*, London, Sage.

Bourdieu, Pierre & Jean. C. Passeron (1990). *Reproduction in Education, Society and Culture*, London, Sage.

Branislav Jevtić, Irina Juhas .(2011). *WOMEN IN SPORTS -TRUTH OR CONTRADICTION SYMPTOMA*, University of Belgrade, Faculty of Sport and Physical Education.

Dufur. Mikaelaj (1999). *Gender and sport* , New York.

Kay, tess & ruth jeans (2008). *women, sport and gender in equity. Sport and society a student in trodution edited*, sage puloliccation.

Li, weidong, ameliam. Lee & melind a. solmon (2006). Gender differences in beliefs about the influence if ability and effort in sport and physical activity. Routledge falwer.

Mark E. Moore & Bonnie L. Parkhouse(2008). Women in sport management.

Mark E. Moore & Alison M. Konrad (2010). A reflection of the contributions of "Women in sport management: advancing the representation through HRM structures".



نویسندگان

**mamghodsi@yahoo.com**

**دکتر علی محمد قدسی**

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، حوزه مطالعاتی ایشان جامعه‌شناسی پزشکی، مطالعات زنان و نظریه اجتماعی است.

**j.afsharkohan@yahoo.com**

**دکتر جواد افشارکهن**

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، حوزه مطالعاتی ایشان جامعه‌شناسی ارتباطات، مسائل اجتماعی و جهانی شدن است.

**a\_atarod@yahoo.com**

**احمد عطارد**

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر آزاد است.